

کعبه‌ها

سرگذشت‌های خواندنی



سید جواد حسینی

۱. علم: «إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسٍ يَعْقُوبُ»

قَضَيْهَا»^۳ «جز حاجتی در دل یعقوب که آن را می دانست.»

۲. اعلام: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ

فِي الْكِتَابِ»^۴ «ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم.»

۳. حکم: «وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ»^۵

«خداوند به حق حکم می کند.»

۴. خلق: «فَقَضَيْنَهُنَّ سِنْعَ سَمَوَاتٍ

۱. معنای حرمت

در ذیل آیه شریفه «وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ»^۱ «هر

کس حرمت‌های الهی را بزرگ شمرد، برای او در نزد خدا بهتر است.» چند تفسیر در مورد کلمه «حرمت» بیان شده است:

۱. حرمة الاسلام؛ ۲. کتاب الله؛

۳. خانه کعبه که قبله مردم می باشد؛

۴. حرمة الرسول ﷺ؛ ۵. حرمة عترة

الرسول ﷺ و ۶. حرمة المؤمن.^۲

۲. معنای «قضا» در قرآن

در قرآن کریم «قضا» در نه معنی

بکار رفته است:

۱. حج/۳۰.

۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، احادیث ۱، ۲، ۴، ۵.

۳. یوسف/۶۸.

۴. اسراء/۴.

۵. غافر/۲۰.

«شیخ»، حضرت آدم علیه السلام است که وعده نخوردن گندم را داد، ولی عمل نکرد و مراد از «پیر مغان» امیر المؤمنین علیه السلام است که به وعده عمل کرد و در تمام عمر، نان گندم نخورد.

دری سال بعد برای همان مجلس دعوت می شود، ولی قبل از محرم از دنیا می رود. دقیقاً در همان شب به خواب آن جوان می آید و می گوید: سال قبل برای شعر حافظ معنایی گفتم، ولی وقتی به عالم برزخ منتقل شدم، معنای شعر این طور کشف شد که مراد از «شیخ»، حضرت ابراهیم علیه السلام و منظور از «پیر مغان»، سید الشهداء علیه السلام و مراد از «وعده»، ذبح فرزند است که حضرت ابراهیم وفای به امر کرد ولی سید الشهداء علیه السلام حقیقت و فارا در کربلا در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام انجام

فی یومین ﴿﴾؛^۱ [در این هنگام] آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید.»

۵. حتم: «فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ ﴿﴾؛^۲ «هنگامی که مرگ را بر او حتمی کردیم.»

۶. امر: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ﴿﴾؛^۳ «خداوند امر کرده است که غیر از او را نپرستید.»

۷. فعل: «فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ﴿﴾؛^۴ «هر کاری می خواهی انجام بده.»

۸. اتمام: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ ﴿﴾؛^۵ «وقتی موسی مدت را به پایان رساند.»

۹. تحقق یافتن: «قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿﴾؛^۶ «امری که شما دو تن از من جویا شدید، تحقق یافت.»^۷

۳. رؤیای عجیب

مرحوم سید ضیاء الدین دُری، از وعظ بیست سال قبل تهران بود. در سال آخر عمرشان، در شب هشتم یا نهم محرم، جوانی از ایشان می پرسد که مقصود از این شعر حافظ چیست؟

مرید پیر مغانم زمن مرنج ای شیخ
چراکه وعده تو کردی و او بجا آورد
ایشان در پاسخ می فرماید: مراد از

۱. فصلت/۱۲.

۲. سبأ/۱۴.

۳. اسراء/۲۳.

۴. طه/۷۲.

۵. قصص/۲۹.

۶. یوسف/۴۱.

۷. توحید صدوق، جامعه مدرسین، قم، ص

داد.^۱

المؤمنین نمی‌روم.

۴. من هرگز زیر پرچم کفر

۳. پیشنهاد پرچم دولت روس و یا

نمی‌روم

هلند شد که بر فراز بام خانه شیخ نصب
شود.

زمانی که مشروطه خواهان پس از
استبداد صغیر، تهران را فتح کردند و
برخی در صدد به شهادت رساندن
شیخ فضل‌الله نوری بودند، از طرف
به اصطلاح خیرخواهان پیشنهاداتی به
این شرح مطرح شد:

شیخ فضل‌الله در جواب فرمود
که من محاسنم را در اسلام سفید
کرده‌ام و هرگز زیر پرچم کفر نمی‌روم.
﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
سَبِيلًا﴾^۲ «خداوند هرگز راهی برای تسلط
کفار بر مسلمانان قرار نداده است.»

۱. شما مخفیانه از تهران خارج
شوید و به عتبات عالیات بروید که در
این صورت، کسی جرئت نخواهد کرد
که شما را از حوزه نجف اشرف به
ایران برگرداند.

من راضی هستم که صد مرتبه
کشته شوم و زنده گردم و مسلمانان و
ایرانیان مرا مثله (قطعه قطعه) کنند،
ولی به کفار پناهنده نمی‌شوم.^۳

شیخ در جواب گفت: این فرار
است و فرار ننگ است و من هرگز این
کار را نمی‌کنم.

۵. هم حفظ وحدت و هم حفظ

اصول

امام موسی صدر در مجالسی که
اقوام و طوایف گوناگون حضور

۲. از طرف سفارت دولت عثمانی
پیغام آوردند که ما پرچم آن دولت را
بیاوریم و در بالای بام منزل شما نصب
کنیم که در این صورت با حمایت آن
دولت، از خطر مصون خواهید ماند.

۱. روح مجرد، محمدحسین تهرانی، انتشارات
علامه طباطبایی، مشهد مقدس، ۱۴۱۸ ق. ص
۴۸۴؛ نامه‌ها و ملاقات‌های امام حسین (علیه السلام)، نظری
منفرد، بنیاد معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۱ ش،
ص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۲. نساء/۱۴۱.

۳. اسلام مجسم، آیه‌الله نوری همدانی، دفتر
تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

شیخ در جواب فرمود: من زیر
پرچم ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) زندگی
کرده‌ام و هرگز زیر پرچم غیر امیر

«تا مدتها مرحوم میرزای نایینی به خواب کسی نیامده بود. شاگردی داشت که از اهالی گلپایگان بود. ایشان (مرحوم نایینی) با اینکه خیلی کم به کسی اجازه اجتهاد می داد و در اجازه دادن خیلی ممسک بود، به این طلبه اجازه اجتهاد داده بود. پس از گذشت مدت زیادی از ارتحالشان، به خواب این طلبه آمد. آن طلبه از مرحوم نایینی چنین پرسیده بود که می دانم که الفاظ نمی توانند بیانگر وقایع آن جهان باشند، ولی به هر حال بفرمایید در آن عالم چه خبر است؟ میرزا جواب داده بود:

کس نمی داند در این بحر عمیق

سنگریزه قرب دارد یا عقب

مرحوم خویی به من فرمود که نمی دانم این شعر از کیست؟ من هم آن وقت نمی دانستم، ولی بعدها این شعر را در منطق الطیر عطار دیدم.^۲

داشتند، در عین حفظ اصول خود، در حفظ وحدت نیز گام برمی داشت.

رئیس جمهور [وقت] لبنان، هر سال در ماه مبارک رمضان شخصیت‌های برجسته مذهبی را به ضیافت افطار دعوت می کرد. امام موسی صدر نیز به عنوان رئیس مجلس شیعیان به مهمانی دعوت می شد. اهل سنت موقع غروب آفتاب افطار می کردند و شیعیان چند دقیقه‌ای بعد از غروب. این اختلاف، آرامش ضیافت افطار را تهدید می کرد. آفتاب غروب کرد، امام موسی صدر یک استکان چای برداشت، همه با تعجب به او خیره شدند. ایشان استکان را در یک دست گرفت و دست دیگرش را بالا برد و شروع به دعا خواندن کرد. دعا خواند و حاضران آمین گفتند. این کار را آن قدر ادامه داد تا وقت افطار شیعیان شد، بعد لبخندی زد گفت: «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ» و استکان چای را سر کشید.^۱

۶. در آن عالم چه خبر است

علامه جعفری رحمته الله علیه می گوید:

آیه الله العظمیٰ خوئی رحمته الله علیه به من گفت:

۱. افق حوزه، چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۱/۲۴، سال ششم، شماره ۱۷۹، ص ۴؛ مقاله وحدت ملی در سیره امام موسی صدر.

۲. ابن سینای زمان، سید محمدرضا غیائی کرمانی، انتشارات پارسایان، ص ۷۹ و ۸۰.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فراخوان همایش کتاب سال حوزه

پژوهشگران و مؤلفان حوزوی که اثری از آنان در سال ۸۶ منتشر شده است

می‌توانند با ارائه دو نسخه از کتاب خود به دبیرخانه کتاب سال حوزه در

دویمین دوره کتاب سال حوزه

پژوهشگاه شرکت کنند.

حملت ارسال آثار: پایان خردادماه ۸۷

نشانی: بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، معاونت پژوهشی حوزه

دبیرخانه کتاب سال حوزه

تلفن فاکس: ۲۹۱۴۵۵۸

<http://www.hawzahbook.com>
E-Mail: Info@hawzahbook.com